



کور خود بینای دیگران

هر دو برادر جوړه برخوردار چنان غرق در افکار حزبی خود هستند که نه شب را می بینند و نه روز را و بصورت جوړه بی مضامین می فرستند و حتی اجازه خواندن و اصلاح نمودن را برای مسئولان و بسایت آریانا افغانستان آنلاین نمی دهند و اگر یک روز نوشته های بی سر و بی پای شان معطل شود فوراً شروع به شکایت در صفحه نظریات می کنند. این سبب می شود که مسئولین از اصلاح و خواندن دوباره مضامین این جوړه برخوردار ها صرف نظر نمایند و مسلسل آن ها را نشر کنند. اما چیزیکه قابل توجه است این است که مضامین این دو برادر، مخصوصاً از جناب داکتر و فیلسوف صاحب اصلاً آنقدر مغلق و پیچیده است که اصلاح آن از قدرت هیچ کس پوره نیست. اما اگر زیاد کوشش و دقت به خرج داده شود و چندین مراتبه آن را مرور نمائیم، از فحواي آن کمی به متن آن پی برده می شود.

این دو برادر، کور خود و بینای دیگران هستند. برادریکه در امریکا تشریف دارد در مضمون اخیر خود تحت عنوان: **"عمال رسیزم" ایتیکی "در افغانستان!"**

از هر جا توتته توتته نوشته ها را یکجا نموده و بصورت گد و د خواسته در مورد یک نظام فدرالی توسط یک تعداد اشخاص مانند دوستم ملیشه حزبی زمان خلقی ها و پرچمی ها و مخصوصاً تربیه داده شده نجیب گاو و لطیف پدram پرچمی که مانند یک پایی گگ از پشت ببرک کارغل می دوید و امثالهم.

این آقایان جوړه برخوردار که وقت را از دفاع نمودن حزب منحلۀ شان از دست نمی دهند، بخوبی می دانند که موضوع بوجود آوردن رژیم فدرالی در زمان قصاب کابل یعنی نجیب نانجیب مشهور به نجیب گاو، روی دست گرفته شده بود که با جان فشانی مقاومت مبارزین راه آزادی افغانستان از چنگال کریملن آرزوی شان برباد رفت. اما رژیم دست نشانده و وطنفروشان خلقی و پرچمی باوجود

شکست ذلتبار شان، آرام ننشستند و با داخل نمودن مهره های پرورش یافته کی.جی.بی مانند دوستم، پدرام، عظیمی، علومی...، در صفوف مقاومت، و مخصوصاً در صفوف چند تیکه دار جهاد، مقاومت فرزندان سرفراز افغانستان را که با دادن جان های شان آزادی وطن را بدست آوردند، به بی راهه کشیدند و عواقب بعدی را همه شاهد هستیم.

این دو برادر جوهره برخوردار فکر می کنند که با سیاه نمودن روی کاغذ می توانند خاک بر چشم مردم بزنند و عاملین بدبختی های افغانستان را تبرئه کنند. مطمئن باشید که دیگر شما مهره های سوخته هستید و تبلیغات بی سر و پای شما جایی را گرفته نمی تواند.

برادر داکتر و فیلسوف نیز همه روزه در تلاش تبرئه نمودن حزب منحل خود و هم اشغالگران خونخوار یعنی شوروی می باشد و تکرار اندر تکرار از همان مجله چهل و چند سال قبل شپیگل چیز چیزی که از فهم اینجانب و شاید اکثریت خارج باشد، ترجمه نموده و به این ترتیب از یک سو فیلسوف بودن خود را می خواهد به اثبات برساند و از سوی دیگر به تبلیغات و تبرئه جنایتکاران بپردازد.

در این جا یک قسمت از مضمون اخیر وی را که به تاریخ نهم فبروری نوشته است برای خوانندگان نقل می کنم:

" این افراد که تحت کلمه «جهاد مقدس»، خود آنان را مخفی ساخته بودند، باید چنان غرق در تخیل بوده باشند که، حتی در وجود اطفال این وطن قتل انسان را عادت دور ناشدنی، از ذهن، کردار و توان آنها، تبلیغ می نموده اند. در آن زمان که فقط ۲۰ روز (پس از ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ م) از حضور قوای نظامی شوروی در افغانستان می گذشته است، گزارشگر «شپیگل» از پشاور در باره «مقاومتگران» و مرحله آغاز "مهاجرت و فرار افغان ها"، تحت عنوان یاد شده، نیز خبر می داده است. طوری که در شماره های قبلی نیز ذکر شده است، هرگاه به ارزیابی "جورج کینان"، که ترجمه متن مکمل قبلاً توسط این نویسنده، بدست نشر سپرده شده است، با سایر سیاستمداران غربی در آ «جهان دوقطبی قدرت» و اظهارات رسمی "رهبران شوروی" در همان روز های آغاز "بحران" و متعاقباً اظهارات "اندروپف" را که می گفته است "ما در افغانستان چیزی گم نکرده ایم"، توجه صورت می گرفت می توانست یک "راه حل سیاسی" بسر رسد و این "آتش" در روز های اول خاموش گردد. "

به جفنگیات این شخص خوب توجه فرمائید، آیا این شخص برای تبرئه حزب منحل و اشغال اردوی سرخ می خواهد خود را بازی بدهد و یا همه مردم افغانستان را ریشخند نماید؟

شوروی اشغالگر از زمانه های دور خیال تصرف نمودن افغانستان را به سر می پروراند و بالای حزب منحلۀ نادیموکراتیک خلقی و پرچمی سرمایه گذاری کرده بود، به تحلیل فیلسوف صاحب، شوروی جنایتکار با یکصد و پنجاه هزار عسکر و انواع و اقسام وسایل و اسلحهٔ ثقیله برای اشغال افغانستان نیامده بود، بلکه فقط برای نشاندن ببرک کارمل خاین بالای تخت ریاست جمهوری وی را بدرقه نظامی نموده بود.

جناب داکتر صاحب خود را زحمت ندهید، فکر می کنید که می توانید با تحلیل این جفنگیات تان، باداران خلقی ها و پرچمی ها را، یعنی شوروی سابق را برائت بدهید، قرار تحلیل این آقا شوروی ها آمده بودند که یک راه حل سیاسی پیدا کنند و آتش را خاموش بسازند.

باز هم برای تان خاطر نشان می سازم که ترجمه های شما بسیار بی ربط، نامفهوم و دانستن آن برای اشخاصیکه با فلسفه سر و کار ندارند، امکان ناپذیر است.

هر دو برادر جوهره برخوردار خود را به یک سرگرمی دیگر مصروف بسازید، به هیچ قیمت نمی توانید شوروی و حزب منحلۀ خاین، جنایتکار و وطنفروش تانرا برائت بدهید، و هرگز ملت افغان این خیانت حزب منحلۀ را که با کودتای هفتم ثور سال ۱۳۵۷ وطن را به قهقرا بردند و تمام بدبختی ها از همان کودتای منحوس شما سرچشمه گرفته است، فراموش نمی کنند و جنایات شما و اربابان روسی تانرا نمی بخشند. شماها چه وقت آدم می شوید، از افغانیت تان ما را تیر که خدا هیچ وقت شما را افغان نسازد که شرم افغانیت و انسانیت هستید و سخت هم دیده در.

استقلال – خپلواکی : اغلاط املائی و انشائی نقل قول به حال خود گذاشته شده اند.